

به نام خدا

نگاهی به تحول خانواده در ایران و جهان و عوامل مؤثر بر آن

ابراهیم حقیقی Hagh406@gmail.com

چکیده

خانواده به عنوان بنیادی ترین نهاد اجتماعی در همه جوامع، و در همه ی زمانها دارای نقش، پایگاه و منزلت خاص خود بوده است که هم سلامت فرد و هم بقای جامعه را تأمین می کند. و در حیات اجتماعی مردم نقش و تأثیری فراوان دارد. نهاد خانواده در طی تاریخ شاهد تحولات زیادی در ساختار و کارکردهایش بوده است. مثلاً در گذشته های دور نظام خانوادگی پدر سالاری و متکی بر اصول مذهبی رایج در آن عصر بوده است نه بر اساس علاقه و عاطفه . خانواده مجموعه ای بوده که اجداد و نیاکان واحدی را می پرستیدند به عبارت دیگر کسانی که نیاکان واحدی داشتند یک خانواده را تشکیل می دادند. روابط خویشاوندی مقدم بر خواسته افراد بود و افراد حق انتخاب نداشتند. زنان از بسیاری از حقوقی که امروز ما برای زنان می شناسیم محروم بودند. مردان علاوه بر اینکه رئیس خانواده بودند از اختیارات نامحدودی برخوردار بودند. ولی به تدریج بر اثر تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فکری، خانواده دچار تغییراتی شد . روز به روز از حجم خانواده کاسته شده و خانواده ی گسترده جای خود را به خانواده هسته ای داد. و کارکردهای خانواده کاهش یافته نهادها و مؤسسات دیگر جامعه عهده دار برخی از وظایف خانواده شدند. زنان در خانواده از موقعیت بهتری برخوردار شده و موقعیتی همپای مردان یافتند. فرزندان نیز از حقوق و آزادی های بیشتری برخوردار گردیدند. پیوندهای خویشاوندی به دلیل جابجایی جغرافیایی فرد در جامعه شهری و استفاده از گروه های رسمی برای حل مسائل و مشکلات به جای گروههای خویشاوندی و سنتی، به دست آوردن پایگاه اکتسابی از طریق کار و تلاش و تحصیلات امروزه نسبت به گذشته کم رنگ تر شده و نفوذ خود را در برقراری پیوندهای ازدواج از دست داده اند. هر چند در برخی از نقاط دنیا هنوز اشکال سنتی خانواده شامل خانواده های گسترده، کلانها، و چند همسری چندان تغییری نکرده اند اما در بیشتر کشورهای جهان سوم، تغییرات گسترده ای در حال وقوع است. این تحولات را در ایران هم می توان دید. گذر از خانواده گسترده به خانواده هسته ای، تغییر در شیوه های ازدواج و همسرگزینی به عنوان مثال ممنوعیت ازدواج با محارم پس از ورود اسلام به ایران، هویت بخشیدن به زنان و قائل شدن حق مالکیت و ... برای آن ها، ایجاد دگرگونی در روابط زن و شوهر و والدین و فرزندان و ... از جمله تغییراتی است که می توان در خانواده ی ایرانی مشاهده کرد.

کلید واژه ها: خانواده، خویشاوندی، خانواده گسترده، خانواده ی هسته ای، پدر سالاری

مقدمه:

کمترا انسانی را پیدا می کنیم که تجربه ی زندگی گروهی نداشته باشد. زندگی گروهی را برخی از فلاسفه ذاتی و فطری دانسته و جامعه شناسان نیز بر ضرورت زندگی اجتماعی برای ارضاء نیازها تأکید کرده اند. لذا انسانها بیشتر عمرشان را در گروهها زندگی کرده یا بنحوی از آن متأثر اند. حتی اگر خودشان هم به این امر واقف نباشند .

اولین گروهی که فرد از آنجا به این جهان پا می گذارد خانواده است . و هر فرد معمولی تقریباً تمام یا بخش اعظم عمر خود را در خانواده می گذراند. زمانی به عنوان فرزند و زمانی به عنوان همسر. با توجه به اهمیت بسیار زیاد آن خانواده و ازدواج از مباحث مورد توجه در جامعه شناسی می باشد.

در این مقاله پس از ارائه ی چند تعریف از خانواده اهمیت این نهاد و نقش اساسی آن در زندگی فردی و اجتماعی و کارکردهای عمده ی آن از دیدگاههای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. آنگاه به تحول خانواده در جهان بویژه اروپا و چگونگی و دلایل این تغییر اشاره شده است. و در ادامه به تاریخچه ی تحولات خانواده در ایران از دوران باستان تا به امروز و عوامل دخیل در این تغییرات در هر کدام از این مراحل بطور گزینشی توجیه شده است.

تعریف خانواده

اصطلاح خانواده گاه به گروهی از افرادی که روابط « زن و شوهری »، یا « پدر و مادر - فرزندی » میانشان وجود دارد اطلاق می شود و گاه مفهومی از یک گروه اجتماعی محدود را در بر دارد که افرادش با روابط گوناگونی، که لزوماً روابط خویشاوندی نیست به یکدیگر مربوطند. خانواده زن و شوهری یا هسته ای - شامل پدر و مادر و فرزندان - بر اساس ازدواج به وجود می آید و دارای وظایف عاطفی، مذهبی، تربیتی، جنسی و... است و مشخصه آن روابط میان پدر و مادر، والدین و فرزندان و خواهران و برادران است. (جمشید بهنام، ۱۳۵۰، ص ۵)

خانواده به مفهوم محدود آن عبارت است از یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آنان خانواده را تکمیل می کند. تعریف دیگری، خانواده را گروهی از افرادی داند که از راه خون، زناشویی و یا فرزند پذیری با یکدیگر ارتباط می یابند و طی یک دوره ی زمانی نامشخص، باهم زندگی می کنند. (بروس کوئن، ۱۳۷۸، ص ۱۲۷) آنتونی گیدنز جامعه شناس انگلیسی نیز خانواده را گروهی از افراد می داند که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته اند، و اعضای بزرگسال آن مسئولیت مراقبت از کودکان را برعهده دارند. پیوندهای خویشاوندی ارتباطات میان افراد است که یا از طریق ازدواج برقرار گردیده اند، یا از طریق تبار که خویشاوندان خونی (مادران، پدران، فرزندان دیگر، پدربزرگها و غیره) را با یکدیگر مرتبط می سازد. و ازدواج عبارت است از پیوند جنسی از نظر اجتماعی به رسمیت شناخته شده و پسندیده بین دو نفر بزرگسال. (آنتونی گیدنز، ۱۳۸۳، ص ۴۲۴)

اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد، دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می کند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مردی تشکیل می دهند و نکاح عقدی است که براساس آن رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار می شود و در آن طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می شوند. ارتباط خویشاوندی در سایه نکاح پدید می آید و اعضای آن روابط قانونی، اخلاقی و عاطفی دارند.

اساس تشکیل آن این است که زن و مردی می کوشند اراده خود را بر تأسیس آن و قبول تکالیفی که شرع برای آنها معین کرده است، محقق سازند. بر این اساس خانواده یک تأسیس حقوقی به حساب خواهد آمد که اعضای آن با رشته خونی با هم پیوند پیدا می کنند. جامعه شناسان خانواده را یک پدیده

تاریخی می دانند که از اجتماع کلی جدا نیست. واحدی است اجتماعی که در عین حال خصایص یک نهاد و یک گروه را واجد است.

وظایف و کارکردهای خانواده :

خانواده عهده دار وظایف مهم و فوق العاده ای است که اهم آن عبارت اند از :

- تنظیم رفتار جنسی و زاد و ولد
- مراقبت و محافظت از کودکان، ناتوانان و سالمندان
- اجتماعی کردن فرزندان
- تثبیت جایگاه و منزلت اجتماعی
- فراهم آوردن امنیت اقتصادی (بروس کوئن، ۱۳۷۸، ص ۱۳۱)

نقش و اهمیت خانواده :

خانواده بستری است که در آن فرد رشد یافته و از موجودی ضعیف و ناتوان به انسانی با شخصیت تبدیل می شود. چرا که خانواده نخستین محیط اجتماعی است که فرد در آن قرار می گیرد. و والدین و اطرافیان کودک نخستین انسانهایی هستند که با وی ارتباط برقرار می کنند. با توجه به اهمیت اساسی این دوران در یادگیری _العلم فی الصغر كالنقش فی الحجر_ بسیاری از اعمال، اندیشه ها، احساسات و جهت گیریهای فرد در بزرگسالی ریشه در خانواده و دوران کودکی او دارد.

در طول تاریخ تلاش های زیادی برای حذف خانواده صورت گرفته است حتی جوامعی نیز سعی در از میان برداشتن ضرورت مقررات قانونی و مذهبی ازدواج را داشتند. ولی بزودی به مشکلات و پیامدهای این طرز زندگی زناشویی واقف گشته و بتدریج مجبور شدند به عمل ازدواج جنبه ی قانونی داده و مقررات جدیدی را برای حفظ خانواده بعنوان سلول زندگی اجتماعی مورد توجه قرار دهند. (منصور وثوقی، ص ۱۲۲)

نهاد خانواده در همه جوامع، از مذهبی و غیر مذهبی پذیرفته شده و در جوامع گوناگون دارای نقش، پایگاه و منزلت های گوناگون است و در حیات اجتماعی مردم نقش و تأثیری فراوان دارد. خانواده هسته اول همه سازمانها و نهادهای اجتماعی است همه نقش های مربوط به ایجاد تمدن و انتقال موارث و رشد و شکوفایی انسانیت به آن مربوط می شود و نیز همه سنت ها، عقاید و آداب و ویژگی های فردی و اجتماعی از طریق خانواده به نسل جدید انتقال می یابد.

در اسلام بنیادی ترین واحد جامعه خانواده است و اهمیت ویژه ای به خانواده داده شده و مایه آرامش انسانها دانسته شده است. -ومن ایاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم

موده و رحمة- یعنی یکی از نشانه های او اینست که از خود شما برای شما همسر آفرید تا با او آرام گیرید
 و میان شما مهر و محبت قرار داد. (سوره روم آیه ۲۱)

در جهان بینی اسلامی برای تمامی نیازها و غرایز انسانی راهکاری در نظر گرفته شده است. در
 این باره می توان گفت مسأله ازدواج بهترین راهکار برای یکی از این غرایز انسانی است که از دیدگاه
 اسلامی اهمیت بسیاری دارد. بهترین زمان برای ازدواج از دیدگاه اسلام دوره جوانی است زیرا برای
 شروع به هر کاری دوره ای مناسب است و مناسب ترین دوره برای ازدواج دوره جوانی است. به همین
 دلیل است که سعدی می گوید: ای کاش در جوانی می دانستم و در پیری می توانستم.

روح لطیف انسان همانند جسم او دارای نیازهایی است که در صورت تأمین آن ها به تکامل واقعی
 خواهد رسید. به همین دلیل محبوب ترین چیز نزد خدای تعالی مسأله ازدواج است؛ تا آنجا که حضرت
 رسول می فرماید: "النكاح سُنَّةٌ وَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي" و امام صادق نیز می فرماید: "مَنْ
 اخلاق الانبياء حُب النساء." دوست داشتن زنان از اخلاق پیامبران است.

مسأله زوجیت در قرآن کریم، حتی برای اشیا نیز مطرح شده است، خداوند در این باره می
 فرماید: "مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجًا." یعنی مسأله زوجیت فقط در مورد انسان ها و یا سایر موجودات
 نیست بلکه برای اشیا نیز این مسأله صدق می کند.

دلایل اهمیت خانواده در اسلام

- ۱) مسأله تولید مثل: اصولاً راز بقای موجودات و انسان ها در طبیعت، تقویت غریزه جنسی است.
- ۲) مسأله کسب استقلال: هنگامی که جوانی ازدواج می کند و جامعه کوچکی را به نام خانواده تشکیل
 می دهد، در واقع احساس استقلال می کند و این احساس استقلال، موجب آرامش نفس می شود که در
 بالندگی و تکامل فرد و جامعه بسیار مؤثر است.
- ۳) حفظ عفت و مصونیت از گناه: در حدیث آمده است نیمی از دین جوان با ازدواج حاصل می شود و
 نیم دیگر آن با تقوا، بنابراین ازدواج از دین انسان حفاظت می کند به همین دلیل باید به آن اهمیت داده
 شود. اکثر بزهکاران اجتماع، افراد مجرد هستند.
- معصوم (ع) در حدیث دیگری می فرماید: اکثر اهل جهنم از غیر متأهلین هستند؛ یعنی افراد متأهل کمتر
 به سراغ گناه و خلاف می روند.

۴) ایجاد آرامش و تأمین اجتماعی: تمامی برنامه ها و اقدامات توسعه یک کشور در چارچوب امنیت،
 مفهوم می یابد. حتی بهره برداری از آزادی ها نیز در پناه امنیت، امکان پذیر است. عدم امنیت مانع
 سازندگی می شود. در اثر ازدواج امنیت اجتماعی ایجاد می شود، زیرا هنگامی که فرد ازدواج می کند

با مسائلی چون تربیت فرزندان و سایر شئون زندگی خانوادگی در گیر می شود به همین دلیل کمتر به سوی اعمال بزهکارانه می رود، اعمالی که موجب سلب امنیت فرد و اجتماع می شوند . بنابراین روی گردانی از سنت الهی موجب زوال پیوند اجتماعی و سقوط جامعه می گردد ، پس باید هر چه زودتر و بیشتر زمینه های روحی مناسب را برای جوانان فراهم کرد، زیرا میثاق ازدواج، مقدس ترین میثاق بشری است. (www.irib.ir/tv)

خانواده در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با الهام از تعالیم اسلامی بر اهمیت و قداست خانواده و تحکیم آن تأکید دارد. بر اساس اصل دهم قانون اساسی: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است ، همه ی قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده ، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه ی حقوق و اخلاق اسلامی باشد.» (حسن ملکی، ۱۳۷۲، ص ۲۴)

جامعه متشکل از خانواده هاست، مختصات آن از طریق روابط خانوادگی قابل توصیف است. اثر وجودی مفید و یا زیانبخش آن، به جامعه هم می رسد. ساخت و مشی آن در سکون یا اضطراب جامعه مؤثر است. انگیزه اعضایش در انگیزه های اجتماع تأثیر می گذارد. چگونگی مشی و سبک زندگی آن در اخلاق جامعه و در صحت یا بیماری آن نقش می مؤثر دارد. (<http://amb-iran.fr/index.php?lang=fa&page=۰۰&PHPSESSID=۶d۲b۸۷۸۶۰۲۸۹۳a۲۹۳۷۷bcd^dc۳a۶۵۰۳۰>)

در ادبیات فارسی و آثار شاعران و نویسندگان بزرگ ایرانی هم به عشق و زناشویی و اهمیت خانواده توجه خاصی شده است . بعنوان مثال فردوسی جامعه انسانی و قوام و پایداری آن را بر اساس مهر و محبت و برگزیدن همسر و تشکیل خانواده ای پاک و لذت بردن از زیبایی ها و خوشی های زندگی به وجهی معتدل و متین استوار می داند، و زناشویی این شرط لازم و اجتناب ناپذیر بقای نوع انسانی را به شیوه ای خردگرایانه طرح و بررسی می کند:

جهان را افزایش ز جفت آفرید	که از یک فزونی نیاید پدید
یکی نیست جز داور کردگار	که او را نه انباز و نه جفت و یار
هر آنچه آفریدست جفت آفرید	گشاده ز راز نهفت آفرید
اگر نیستی جفت اندر جهان	بماندی توانایی اندر نهان (علی اکبر ترابی

، ۱۳۷۶، ص ۳۱)

مولوی نیز عشق و محبت را اصل و اساس اتحاد زن و مرد دانسته که بقای نسل انسانی را به دنبال دارد .
میل اندر مرد و زن حق زان نهاد تا بقا یابد جهان زین اتحاد

تحول خانواده

الف: تحول خانواده در جهان

خانواده در روم قدیم

تابع اصول مذهبی بوده و هر خانواده ، خدایان بخصوصی داشته ،
اعضای خانواده علاوه بر زنان متعدد ، غلامان و کنیزان و بندگان نیز بودند و مجموعه این افراد ،
خانواده در روم قدیم را تشکیل می دادند .

خویشاوندی در تمدن روم قدیم فقط در میان مردان معنا داشت و در میان زنان اصلاً معنایی مردان
علاوه بر اینکه رئیس خانواده بودند بلکه پس از مرگ نیز به عنوان خدای خانواده مورد پرستش و عبادت
قرار می گرفتند . نداشت و قرابت به صورت همخوانی بوده است ، قرابت حقوقی بین آنها برقرار نبوده است .

بنابر این نظام خانوادگی پدر سالاری بوده و متکی بر اصول مذهبی رایج در عصر آنها بوده است .

خانواده در یونان قدیم

خانواده در یونان قدیم بر اساس مذهب بوده نه بر اساس علاقه و عاطفه . خانواده مجموعه ای
بوده که اجداد و نیاکان واحدی را می پرستیدند به عبارت دیگر کسانی که نیاکان واحدی داشتند یک
خانواده را تشکیل می دادند . گسترش خانواده فقط با اولاد ذکور بوده و در نتیجه زنانی که عقیم یا دختر
زا بودند به شدت از خانواده طرد می شدند . نتیجه چنین تفکری در جامعه، رواج فرزند خواندگی بوده
است . نظام خانوادگی پدر سالاری بوده است . (پودمان حقوق خانواده، شبکه آموزش سیمای جمهوری

اسلامی www.irib.ir/tv)

خانواده در اروپا

نهاد خانواده در سطح جهانی تحت تاثیر تحولات اجتماعی دهه های گذشته با تغییرات، چالشها،
مسایل و نیازهای جدید و متنوع شدن نظامهای خانواده مواجه شده است . پاره ای از این تحولات موجب
تزلزل و ناپایداری موقعیت خانواده شده است، کاهش سطح تمایل ازدواج، افزایش آمار جدایی و طلاق و
شکل گیری روابط نابسامان از جمله آثار آسیب دیدگی خانواده جوامع امروزی است

یکی از مورخین به نام لارنس استون در بررسی تحول خانواده قرون وسطایی در یک دوره سیصد ساله (۱۵۰۰ الی ۱۸۰۰ میلادی) سه مرحله اصلی را تشخیص داده است:

۱. خانواده دودمانی باز: در اوایل دوره و صدها سال پیش از آن شکل مسلط خانواده بود. این خانواده نوعی خانواده ی هسته‌ای بود، که در خانه‌ی نسبتاً کوچکی زندگی می‌کرد، اما عمیقاً با روابط اجتماعی محلی، از جمله روابط با خویشاوندان دیگر احاطه گردیده بود. خانواده به وضوح از اجتماع محلی جدا نبود. افراد آن از صمیمیتهای عاطفی که که ما امروز جزء زندگی خانوادگی می‌دانیم بهره‌مند نبودند و یا در جستجوی آن نبودند. رابطه‌ی جنسی در زندگی زناشویی به عنوان منبع لذت تلقی نمی‌گردید، بلکه به عنوان امری لازم برای به دنیا آوردن فرزندان در نظر گرفته می‌شد. انتخاب افراد تابع علایق دیگران مانند پدر و مادر، خویشاوندان نزدیک یا اجتماع محلی بود. علمای اخلاق و عالمان مذهبی عشق جنسی یا رمانتیک را خارج از محافل اشرافی بیماری می‌دانستند. امکان مداخله در خانواده از خارج بسیار زیاد بود و هیچ مطلب خصوصی و محرمانه‌ی داخلی وجود نداشت. بنا بر این خانواده نهادی باز، رام شده و مطیع، غیر عاطفی اقتدارگرا بود

۲. خانواده‌ی پدر سالاری محدود: این شکل خانواده که تا اندازه‌ی زیادی به طبقات بالای جامعه محدود می‌گردید، نوعی خانواده انتقالی است. در این مرحله خانواده‌ی هسته‌ای به صورت واحدی مجزاتر، جدا از پیوندهایش با خویشاوندان دیگر و با اجتماع محلی در آمد. این مرحله از تحول خانواده با تأکید فزاینده‌ی بر اهمیت عشق در روابط زناشویی و پدر و مادری همراه بود، اگر چه قدرت اقتدارگرایانه‌ی پدران نیز افزایش یافت.

۳. خانواده‌ی هسته‌ای محدود: گروهی که با رشته‌های عاطفی و نزدیک پیوند یافته، به میزان زیادی از خلوت خصوصی خانگی برخوردار است و تمام توجه خود را به پرورش کودکان معطوف می‌سازد. تشکیل پیوند های زناشویی بر پایه‌ی گزینش شخصی و عشق رمانتیک و مهرورزی است و انتخاب همسر بر پایه‌ی تمایل به رابطه‌ی ای که محبت یا عشق ارائه کند، نهاده شد. این خانواده که در آغاز در میان گروههای مرفه پدید آمد، به تریج با گسترش صنعتی شدن در کشورهای غربی کم و بیش عمومیت پیدا کرد. (آنتونی گیدنز، ۱۳۸۳، ص ۴۳۰-۴۲۹)

هر چند در برخی از نواحی مانند مناطق دور دست آسیا، آفریقا یا اقیانوس آرام شکل‌های سنتی خانواده شامل خانواده‌های گسترده، کلانها، و چند همسری چندان تغییری نکرده‌اند اما در بیشتر کشورهای جهان سوم، تغییرات گسترده‌ای در حال وقوع است.

مهمترین تغییراتی که هم اکنون در سراسر جهان رخ می‌دهند عبارتند از:

۱. کلانها و دیگر گروههای خویشاوندی به هم پیوسته نفوذ خود را از دست می دهند.
۲. روندی کلی در جهت انتخاب آزادانه ی همسر مشاهده می شود. اگر چه به هیچ وجه همبستگی کاملی وجود ندارد ، اما خانواده ی گسترده معمولاً با ازدواجهای تنظیم شده ربط دارند. تأکید بر اندیشه ی فردگرایی غربی و عشق رمانتیک و عوامل دیگر سبب تضعیف نظام های خانواده گسترده و محدود کردن ازدواج های تنظیم شده گردیده است . و اغلب جوانان خواهان حق انتخاب شریک زناشویی خود هستند.
۳. حقوق زنان ، هم از نظر حق انتخاب در ازدواج و هم تصمیم گیری در خانواده بیش از پیش به رسمیت شناخته می شود. میزان زیادتر اشتغال زنان در خارج از خانه ، همراه با آسان تر شدن طلاق ، با این تغییرات در ارتباط هستند.
۴. کاهش نقش گروه خویشاوندی به عنوان عامل سازمان دهنده ی تشکیل روابط زناشویی. بیشتر ازدواج ها در فرهنگهای سنتی « ازدواجهای خویشاوندی » بود . از افراد انتظار می رفت ، یا مجبور بودند با شریک زناشویی انتخاب شده از میان افراد خاصی، که به وسیله ی روابط خویشاوندی معین می شد ، ازدواج کنند.
۵. آزادی جنسی در جوامعی که بسیار سختگیر بودند بیشتر رواج می یابد. گاهی این فرایند پیشرفت زیادی نکرده است ، و تغییراتی در جهت معکوس نیز رخ داده است ، مانند آنچه به دنبال انقلاب اسلامی در ایران رخ داده است.
۶. روندی کلی در جهت گسترش حقوق کودکان وجود دارد. و بیشتر حکومتها چارچوبهای قانونی برای حمایت از کودکان ایجاد کرده اند. اگر چه راه دوازی در پیش است تا این قوانین عمومیت پیدا کنند.

ب: تحول خانواده در ایران

۱. خانواده قبل از اسلام

الف: تطور خانواده ایرانی پیش از ساسانیان

ایرانیان در سر آغاز به تیره هایی بخش می شدند. چندی دیگر، این گروه ها منشأ خانواده ها و قبیله ها گشتند . بدین گونه سلسله مراتبی از مردم به شکل هرم بند بازان پدید آمد که خانواده هسته مرکزی آن بود . این خانواده ابتدایی ، یکسره روح پدر سالاری داشت و اقتدار پدر ، در آن میان ، بی حد و حصر بود . یگانه نکته ای که هست ، این است که تطور این نخستین گروه خانوادگی که زاده بی فصل تیره است ، به تأنی صورت گرفت .

خانواده بزرگ کهنترین نمونه نوعی است که می‌شناسیم. ترکیب آن از این قرار است: در ملکی موروث که قابل انتقال نیست، پدر و مادر و فرزندان و نوادگان و برادران و خواهران و عروسان و دامادان و عموزادگان و عمه زادگان و دایی زادگان و خاله زادگان و بستگان دیگر، و خلاصه همه را زیر نظر رئیسی واحد، در پیرامون اجاقی واحد و برای برگزاری آئینی واحد و پرستشی واحد در زیر سقفی واحد گرد می‌آورد. این گروه، گروهی است که از تیره پدید آمده است. در مقابل، ترکیب گروه ساسانی، گروه قرن ششم میلادی، با نمونه‌ای مطابقت دارد که تحول و تکاملی بیشتر یافته است، چنین می‌نماید که خانواده این دوره با پدر و مادر و فرزندان حجمی بسیار کمتر از حجم نمونه تیره‌ای خود دارد، می‌توان گفت که آن وقت به ساده‌ترین صورت خویش در آمده است. (مظاهری، ص ۵)

تحول و تبدیل اقتصادی ایران در عهد هخامنشی دگرگونی دیگری در بنیان خانواده به بار آورد. تا وقتی که ثروت ایرانیان عبارت از گله و اراضی و املاک بود، میراث خانواده تقسیم ناپذیر ماند، اما همین که پول و مال منقول پیدا شد، مال فردی بر تملک گروهی غلبه یافت و اگر چه تقسیم همه‌ی دارایی پذیرفته نشد، دست کم تقسیم قسمتی از میراث که «نقد» بود، پذیرفته شد. بدیهی است که خانواده در چنین نظامی انقسام می‌پذیرد و تکثیر پیدا می‌کند و گروه پر حجم به چندین خانواده‌ی کوچک تقسیم می‌یابد. (مظاهری، ص ۱۱)

ب: تحول خانواده ایرانی در عهد ساسانیان

گروهی که بی‌فصل، از تیره سر چشمه گرفته بود اعضاء بسیاری در بر داشت. دارای حجمی بسیار سخت سازمان یافته و یکسره پدر سالاری بود. رئیس گروه همه‌گونه قدرت و اختیار داشت. و بر زنان و فرزندان و همه‌ی خدم خانواده‌ی خود مسلط بود. حق قضاء خانوادگی و ولایت خانواده، حتی حق متهم و محکوم شناختن آن عده از پسرانش را هم که هر کدام برای خودشان پدر خانواده بودند، به او ارزانی می‌داشت. اختیار کشتن، به بردگی فروختن، از خود ندانستن، شکنجه دادن و رها کردن و سر راه گذاشتن و ... زنان و فرزندانش را به او می‌داد. (مظاهری، ص ۱۲)

ناگفته پیداست که چنین خانواده‌ای اعضای بسیاری در بر داشت. اما پیوند های این افراد و اعضا با همدیگر به یک سان نبود. در میان نشان کسانی پیدا می‌شدند که خویشان نزدیک نَبانزدشته - **nabanazdistā** بودند و کسانی پیدامی‌شدند که خویشاوندان ساده‌ای بیش نبودند و نافییه - **nafya** خوانده می‌شدند. گروه نخست به مفهوم اخص پدر و مادر و فرزندان و برادران و خواهران برادران و خواهران پدر و مادر، و بچه‌ها و نوه‌ها را در برمی‌گرفت. بدین سان خانواده باستانی هر چه کوچک می‌بود خویشان و بستگان بسیاری در بر داشت که همه‌شان نیایشی مشترک به جا می‌آوردند و معاش خودشان را تا اندازه‌ای از ملکی فراهم می‌آوردند که آن هم مشترک بود. اما ساده‌ترین نمونه‌ی خانواده‌ی ایرانی

در دوره ی پیش از اسلام ، نمونه ای که جز پدر و مادر و فرزندان چیزی در بر ندارد ، نخستین بار در حدود هزار سال پس از آن تاریخ ، در قرن ششم میلادی در گرماگرم سلطنت ساسانیان پدیدار می شود. در واقع خانواده ایرانی در آن دوره در مرحله بسیار پیشرفته ای از تحول خود بود. و این دگرگونی حجم خود را مدیون چند عامل پیشرفت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی است .

تحول کلی اجتماع ایرانی در جهت آزادی فرد، قدرت پدر خانواده را در آغوش گروه خانوادگی کاهش می دهد و به عکس مایه ی افزایش قدرت زبردستان پدر خانواده می شود. زن بدین گونه ، در کانون خانواده بیشتر از پیش همپایه ی مرد (شوهر) می شود، در صورتی که بچه ها کم کم از استبداد پدر آزاد می شوند.

پیش از هر چیز ، خانواده این امتیاز های تازه را مدیون آیین زردشت است که اندیشه هایش در باره خانواده آرمانی از قرن سوم میلادی به عنوان اسوه هر سازمان خانوادگی بر گردن ایرانیان گذاشته شد.

مذهب زردشت زن را در عروج به بلندترین مقامها یاری می دهد. آذرنسه پسر هرمز دوم زنش را شریک تخت و تاج پدشاهی می کند. و شاهپور که به سال ۳۱۰ تاج بر سر نهاد همین کار را با زن خویش صورت می دهد. نقش همسر ورهران دوم - بهرام دوم - ، تاج بر سر ، در کنار شوهرش ، به روی سکه ها ، دیده می شود. بیوه ی ورهران پنجم ، مادر هرمز سکستانی و کسی که بعداً «پیروز اول» خوانده شد ، از سال ۴۵۷ تا سال ۴۵۹ به سمت ملکه ی بامبشنان بامبشن بر ایران پادشاهی می کند. مادر شاهپور دوم ، تا روزی که پسرش به سن رشد برسد ، نیابت سلطنت را بر عهده می گیرد. و چندی دیگر بوران و آرمیگ دخت بر ایران پادشاهی می کنند. (مظاهری، ص ۱۵)

از سوی دیگر ، خانواده ایرانی در این زمینه مدیون عوامل دیگری چون پیشرفت اقتصادی و پیشرفت معنوی است که از اواخر قرن پنجم تحقق پذیرفته بود. همه این علل و اسباب به وجهی کم و بیش مستقیم ، مایه آن شد که خانواده ایرانی سرانجام پای در این راه نو بگذارد.

در دوره پادشاهی دو خسرو ، دگرگونی های دیگری هم به وقوع پیوست که باعث تقلیل حجم گروه خانوادگی شد. ملایمت و نرمی آیین زردشت یکی از عواملی است که در این دگرگونی ها را پدید آورد. تبدل اقتصادی دومین عاملی است که باعث تقلیل حجم گروه شد. پس در قرن خسرو بزرگ است که خانواده ایرانی سرانجام جریان عادی تغییر شکل خود را از سر می گیرد و توجه به اصالت فرد - اندیویدوالیسم **individualisme** - که مدتی دراز به علت رخوت و رکودی در اقتصاد که آن نیز زاده تهاجم های بالکانیها بود به تأخیر افتاده بود کم نمایان می شود. این دوره که برهه تغییر جهتی در تاریخ بود به تأخیر افتاده بود ، کم کم نمایان می شود این دوره که برهه تغییر جهتی در تاریخ دنیا و بویژه در تاریخ سرزمین ایران آن روزگار است از همین رهگذر در تحول خانواده تأثیر بسیار داشت .

گروه خانوادگی روستایی که پابسته زمین موروث بود، از آن زمان جای خود را به خانواده شهر نشین یا به گروهی می داد و بس که از آن پس میراثی انتقال پذیر داشت. (مظاهری، ص ۱۹)

۲. خانواده بعد از اسلام

در ایران بعد از اسلام اقتصاد مبتنی بر کشاورزی، نقش مهمی را ایفا می کرد؛ لذا خانواده همچنان نقش مؤثری را در تولید فلاحی و صنعتی به عهده داشت.

افراد خانواده تحت سرپرستی پدر یا رئیس خانواده - که مسؤول تامین نیازهای خانواده بود در کشتزارها و کارگاههای خانگی کار می کردند؛ در حالی که دستورات اسلام در مورد حقوق زن یک تحول جدی در پایگاه اجتماعی زنان ایجاد کرده بود.

گسترش روز افزون کشاورزی و دامپروری که مستلزم کار گروهی بود، وسعت خانواده را لازم می ساخت. این کار با نگهداری فرزندان حتی پس از ازدواج و بوسیله رسم تعدد زوجات - که البته اسلام آن را محدود کرده بود - ادامه یافت.

در این دوره، افراد خانواده که به ده تا سی نفر می رسیدند در یک جا زندگی می کردند و در زمینی اجاره ای یا زمینی که ملک همه آنها بود، با هم زراعت و محصول را به تناسب میان خود تقسیم می کردند. نقش مؤثر اعضای خانواده در تولید فلاحی سبب حمایت خانواده از زناشویی می شد. بنابراین جوانان از «همسرگزینی» بیمی نداشتند و باسانی تن به قید تاهل می دادند. با آغاز دوران اسلامی، صورت افراطی ازدواج بین خویشاوندان بتدریج محدود شد و ازدواج پدر و دختر، مادر و پسر و یا برادر و خواهر تحریم و ازدواج با افراد خارج از دایره بسته خانواده تشویق گردید و این عامل سبب رواج نوعی احساس همبستگی انسانی و جلوگیری از رشد بی رویه خون پرستی و اریستوکراسی شد.

رسم تعدد زوجات که قبل از ظهور اسلام در میان تمام افراد شرقی از جمله یهود، عرب و ایرانی شایع بود، بشرط محدودیت، مورد قبول اسلام قرار گرفت. در صدر اسلام نظام اصیل اسلامی بر جامعه حاکم بود و زنان در امور مربوط به زندگی اجتماعی و حتی سیاسی جامعه نقش مهمی را ایفا می کردند. (نگرش بر سیر تاریخی و تطبیقی موقعیت زنان در ایران: فائزه عظیم زاده اردبیلی، نشریه ندای صادق شماره ۱۹)

تحول خانواده در دوران جدید با صنعتی شدن اروپای غربی آغاز شد. سنتهای دیرپا رو به زوال رفت و بر اساس حقوق اجتماعی تازه، که نتیجه انقلابات فکری قرن جدید بود، شکل های نوی از خانواده پدید آمد. (جمشید بهنام، ۱۳۵۰، ص ۴)

حقوق جدید خانواده نسبت به این تحول خیلی دیرتر تغییر یافت، خصوصاً که در نظر بسیاری از افراد در قرن نوزدهم - و حتی اوایل قرن بیستم - خانواده نهادی بود که دورانش بسر آمده بود.

دلایل اصلی تحول خانواده عبارت بودند از تغییر خصوصیات شکل تولید و بهره برداری ، تحرک نیروی کار، افزایش فعالیت های نوع دوم و سوم (صنایع و خدمات)، بالا رفتن سطح مصرف و استفاده از کالاها و خدمات تازه مصرفی . این دگرگونی ها موجب شد که مسئولیت های جمعی و عمومی جانشین مسئولیت های خانوادگی شوند ، فرد خود را متعلق به جامعه بداند و خانواده نقش حمایت کننده خود را از دست بدهد . این تقسیم جدید نقش ها باعث تغییراتی در شخصیت افراد شد و شکل خانواده جدید را دگرگون ساخت .

همه دگرگونی های اجتماعی امروزی بر خانواده و نقش افراد آن تأثیر می گذارد و در مقابل تغییراتی که در نقش های خانوادگی تحت تأثیرات ایدئولوژیک انجام می گیرد در زندگی اقتصادی جامعه موثر است .

دگرگونی خانواده ی ایرانی در قرن اخیر آرام و کند اما مستمر و قاطع بوده است . زمانی دراز شکلی از خانواده در این سرزمین وجود داشت که جامعه شناسان آن را به اصطلاح کلی «خانواده ی گسترده» وصف کرده اند. خانواده ای بود بر اساس شرایع اسلامی و سنت های ایرانی . و مذهب ، سنت و شیوه ی تولید اقتصادی جوامع کشاورزی مبانی آن را تشکیل می داد. این خانواده بر اساس «پدر تباری» ، «پدر مکانی» و «اولویت جنس مذکر» استوار بود و سازمان مرتبی داشت که زیر نظر پدر اداره می شد. خانواده واحد تولید و مصرف بود . منزلت اجتماعی زن ناچیز بود و به فرزند آوردن و انجام کارهای خانگی و گاهی کشاورزی و نساجی محدود می شد. فرزندان نام و نشان از پدر می بردند و سرای خانوادگی نسل های مختلف را در خود جای می داد و پاسدار سنت ها بود . مقررات ازدواج و طلاق و ارث و نگهداری فرزندان بر اساس فقه اسلامی استوار بود و روابط افراد خانواده بر سلسله مراتبی مبتنی بود که همه قبول داشتند.

برخورد با تمدن صنعتی غرب و نتایج آن که عبارت از تغییرات ساخت اقتصادی جامعه ، رواج شهرنشینی ، و دخالت دولت باشد ، موجب تغییرات عمده در این شکل از خانواده و خصوصاً شکل شهری آن شده است .

نفوذ تمدن غرب که گاهی صورت تقلید بدون قید و شرط به خود می گیرد بیش از همه در روابط زن و مرد و پدران و فرزندان به چشم می خورد. و زن به عنوان همدم و همکار مرد پذیرفته شده است . مدرسه به کمک خانواده آمده و گاه تعالیم آن با تعالیم خانواده تضاد پیدا کرده است. تغییرات اجتماعی روز به روز سریعتر شده و افکار نو و گاهی آداب و رسوم مسخ شده ی غرب از طریق مطبوعات ، رادیو و تلویزیون و سینما در اختیار نسلهای جوانتر قرار گرفته است.

امکانات «تحرک اجتماعی» موجب رشد طبقات متوسط در شهرهای ایران گردید و گسترش آموزش عمومی و تخصصی شدن مشاغل ، رفتارهای جدید و تحرک مکانی را سبب شد که در دگرگونی

ساختار خانواده مؤثر بود. پیدایش شهرهای بزرگ و زندگی در آپارتمان‌های کوچک، نومکانی و تحرک بی سابقه جغرافیایی شاغلان جوان، آنان را از سالمندان و والدین دور می‌سازد و افراد ترجیح می‌دهند که بیشتر در درون نسل خود زندگی کنند. از طرف دیگر، همراه با تغییرات سریع جامعه، به ناچار ارزش‌ها، رسوم، عادات و دانستیها هم تغییر می‌کند و نسلها از هم فاصله می‌گیرند.

دخالت دولت در امر خانواده نیز اهمیت بسیار دارد. اعلام تساوی حقوق مرد و زن و تدوین قانون حمایت از خانواده را باید از جمله این اقدامات دانست.

بر اثر تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فکری، خانواده دچار تغییراتی شد. جامعه به تدریج از الگوی جامعه کشاورزی به صنعتی تغییر یافت. بنابراین هم کارکردها و هم اقتدار خانواده، همراه با آن دگرگون شد. عمده‌ترین پیامد و نتیجه حرکت از خانواده سنتی روستایی به خانواده شهری و صنعتی جدید، تحول از نظام خویشاوندی گسترده به خانواده هسته‌ای بود. بر اثر این تغییرات، خانواده از حالت یک واحد تولیدی و مصرفی به یک واحد مصرفی تبدیل شد. دیگر نیازی به استفاده از تعداد بسیار فرزندان و اعضای دیگر خانواده وسیع وجود نداشت تا در کار خانوادگی به صورت دسته جمعی شرکت کنند. تولید اقتصادی از خانواده به کارخانه منتقل شد و مؤسسات اجتماعی نقش تربیت و پرورش متخصصان را برعهده گرفتند. پیوندهای خانوادگی به چند دلیل سست و ضعیف شد از جمله این دلایل می‌توان به جابجایی جغرافیایی فرد در جامعه شهری و استفاده از گروه‌های رسمی برای حل مسائل و مشکلات به جای گروههای خویشاوندی و سنتی، به دست آوردن پایگاه اکتسابی از طریق کار و تلاش و تحصیلات اشاره کرد.

نتیجه اینکه سیمای خانواده امروزی در ایران، خانواده‌ای است که در آن قدرت صرفاً از آن مرد نیست و تصمیم‌گیران خانه مرد و زن هستند و دیگر مرد بودن دنیای متفاوتی، با امکانات و اعتبار متمایز محسوب نمی‌شود. فرزندان در خانواده از جایگاه بهتری نسبت به گذشته برخوردار شده‌اند. که حتی در مواردی حالتی افراطی به خود گرفته است. این خانواده به نومکانی رأی می‌دهد. امروزه کمتر زوج جوانی را می‌توان یافت که علاقمند به زندگی با والدین خود یا والدین همسرش باشد. اگر در گذشته مردان ترجیح می‌دادند که همسرشان خانه دار و از نظر تحصیلات پایین‌تر از خودشان باشند. امروزه برعکس اغلب آنها به دنبال همسر شاغل و ترجیحاً با تحصیلات عالی هستند.

خانواده‌ی امروزی هرچند بی‌فرزندی را نمی‌پسندد از تعدد فرزندان نیز گریزان است. و بیشتر به کیفیت زندگی و رفاه و مجهز شدن به ملزومات زندگی امروزی می‌اندیشد هر چند خود این امر خانواده‌ها را با مشکلات جدیدی مواجه کرده و بنوعی آرامش را از خانواده می‌گیرد. از آن جمله مسابقه خانواده‌ها برای مجهز شدن به وسایل مدرن و تجملی در سایه‌ی چشم و هم چشمی است.

منابع :

- ☒ بهنام ، جمشید: ساختهای خانواده و خویشاوندی در ایران تهران: جیبی ۱۳۵۰.
- ☒ ترابی ، علی اکبر: جامعه شناسی ادبیات فارسی ، تبریز: فروغ آزادی ، ۱۳۷۶.
- ☒ قرآن کریم
- ☒ کوئن ، بروس : درآمدی به جامعه شناسی ترجمه ی محسن ثلاثی تهران: نشر توتیا ۱۳۷۸.
- ☒ گیدنز ، آنتونی : جامعه شناسی ترجمه منوچهر صبوری تهران: نشر نی ، ۱۳۸۳.
- ☒ ملکی ، حسن : آشنایی با قانون اساسی کد ۳۰۱۰ دوره کاردانی تربیت معلم تهران: شرکت چاپ و نشر ایران
- ☒ وثوقی ، منصور : مبانی جامعه شناسی (۱) رشته علوم اجتماعی انتشارات دانشگاه پیام نور
- ☒ مظاهری ، علی اکبر : خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام
- ☒ روزنامه همشهری شماره ۳۰۱۶ مورخه ۱۳۸۲/۱/۱۹
- ☒ نشریه ندای صادق شماره ۱۹ دانشگاه امام صادق

<https://ebrahimhaqini.ir/>